

## تشکیل سمیناری در مجلس ملی فرانسه از طرف نمایندگان پارلمانی حزب سبزها در مورد مسئله کرد

روز چهارشنبه ۳۱ ماه مه ۲۰۰۰، از طرف خانم ماری-هلن لاوربرت، نماینده حزب سبزها در مجلس ملی فرانسه و عضو کمیسیون امور خارجه این مجلس، و آقای نونل ماهر، نماینده پارلمان و از رهبران حزب سبزها، سمیناری در مورد کردها، در یکی از تالارهای پارلمان فرانسه، بنا بر ویکتور هوگو، برگزار گردید. برگزارکنندگان در اطلاعیه و نیز نامه‌هایی که به‌همین مناسبت منتشر ساخته بودند، علل تشکیل این سمینار را چنین بیان نموده بودند: بیش از دو سال است که با نمایندگان جمعی بنا بر مجمع هماهنگ کننده پشتیبانی از خلق کرد (هر کب از انجمنهای کرد، اعم از کردستان ترکیه، ایران، عراق و سوریه و نیز شماری از سازمانهای غیر دولتی و مدنی فرانسه) ارتباط و دیدارهای مرتب داریم. بنا به درخواست نمایندگان این مجمع و بعلت اهمیت مسئله کرد در خاورمیانه، ما در روز چهارشنبه ۳۱ ماه مه ۲۰۰۰، در مجلس ملی فرانسه، سمیناری تحت عنوان کردها در ترکیه، ایران، عراق و سوریه: واقعیتها و چشم‌اندازها برگزار میکنیم. این سمینار ما را در درک بهتر وضعیت مردمی با بیش از ۲۵ میلیون جمعیت یاری خواهد کرد و بجا امکان خواهد داد تا فکرهايمان را روی هم بریزیم و بطور جمعی برای حل مسئله کرد در یافتن راه حل بکوشیم.

در خاتمه بیانیه چنین آمده است: این سمینار همچنین هدف گسترش تبادلات سیاسی و فرهنگی بین کردستان و فرانسه را دنبال میکند.

سمینار در ساعت ۳۰-۹ صبح با بیاناتی از طرف آقای هانری امانوئلی (نماینده پارلمان، رئیس فعلی کمیسیون مالی پارلمان فرانسه و رئیس اسبق این پارلمان و دبیر کل اسبق حزب سوسیالیست فرانسه) آغاز گردید. وی ضمن ابراز خوشحالی از تشکیل چنین سمیناری گفت: کردها هم مثل همه خالقهای جهان حق دارند زبان، تاریخ و فرهنگ خود را حفظ کنند و از یک زندگی شرافتمندانه برخوردار گردند. در قرن گذشته، تاریخ خلق کرد مملو از درد و رنج، ویرانی و کشتار هیبانشد. ستمی که طی این مدت بر این مردم رفته و امروز همچنان ادامه دارد، نمیتواند وجدانهای بیدار و عدالتخواه را رنج ندهد. انسانهای باوجدان و طرفدار حق و عدالت و آزادی نمیتوانند نسبت به سرنوشت غم انگیز این خلق بی تفاوت باشند. وی سپس با اشاره به آقای مهدی زانا، شخصیت کرد و شهردار اسبق دیار بکر گفت در بین شما و در همین تالار کسی حضور دارد که سالها زندان کشیده تنها به این خاطر که به زبان خودش یعنی زبان کردی حرف زده است. وی در این مورد ادامه داد و گفت: چگونه میتوان از حقوق بشر، از عدالت طرفداری کرد و یک چنین بیعدالتی را تحمل نمود. بلی چنین ظلمی غیر قابل تحمل است.

آقای امانوئلی در خاتمه از خانم دانیل هیتران، بعنوان یک مبارز واقعی و مدافع خستگی ناپذیر از حقوق خلقهای ستمدیده و محروم از حقوق انسانی، از جمله خلق کرد، یاد کرد و از زحماتی بینظیر وی قدردانی نمود و سپس ابراز داشت که تشکیل گروه کار کرد در پارلمان فرانسه امری ضروری است و من در اینجا شخصا التزاه میدهم که در موفقیت کار این گروه از هیچ کوششی دریغ نورزم.

سپس خانم دانیل هیتران که برای تشکیل این گروه کار در پارلمان زحمات بسیاری را متحمل شده بود رشته سخن را به دست گرفت. وی سخنان خود را با گرامیداشت خاطره زنده‌یاد دکتر قاسملو آغاز کرد و چنین گفت: یکبار دیگر در مجلس ملی فرانسه گردهم آمده‌ایم تا از کردها حرف بزنیم. سال گذشته در همین پارلمان گرد آمده بودیم تا در همین سالروز شهادت رهبر کرد، دکتر عبدالرحمن قاسملو، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران را که در سال ۱۹۸۹ در وین بدست تروریستهای جمهوری اسلامی ایران بر روی میز مذاکره به شهادت رسید گرامی بدریم و از دولت اطریش بخواهیم تا از سرپوش گذاشتن بر این جنایت دست بردارد و اجرای عدالت را پیشه سازد. خانم هیتران در ادامه سخنان خود بحث پیرامون سرکوب کردها در بخشهای مختلف کردستان گفت: فرانسوی‌ها و اروپائیان دیگر اگر واقعا خواستار صلح در این منطقه حساس و استراتژیک هستند، باید به تحقق حقوق مردم کرد: اعم از حقوق فرهنگی، سیاسی و مدنی یاری برسانند و از آن پشتیبانی کنند. وی سپس با خاطر نشان ساختن موقعیت استراتژیک کردستان در زمینه منابع زیر زمینی، بویژه نفت و آب بعنوان ماده‌ای که در قرن آینده برای کل منطقه خاورمیانه نقش حیاتی بازی خواهد کرد و نیز رشد بالای جمعیت کرد در کشورهای منطقه، وجود بیش از یک میلیون کرد در کشورهای اروپا، تمایل ترکیه را به پیوستن به اتحادیه اروپا تاکید ورزید که تمام این عوامل نشانگر این واقعیت است که بدون حل مسئله کرد و برسمیت شناختن حقوق مشروعشان امکان استقرار ثبات و صلح پایدار در منطقه وجود نخواهد داشت. مادام هیتران در خاتمه تشکیل گروه کار در مورد مسئله کرد در پارلمان فرانسه را در راستای کمک به حل مسأله‌آمیز مسئله کرد بسیار مفید قلمداد کرد و برای فعالیتهای آن و کمک به حل یکی از مشکلات اساسی منطقه آرزوی توفیق نمود و گفت که در این راه همراه شما خواهیم بود و دقیقه‌ای از کوشش باز نخواهیم ماند.

سپس برنامه سمینار در چهار بخش به شرح زیر آغاز به کار کرد.

### بخش اول: کردها در قوانین اساسی فعلی کشورهای مربوطه،

ریاست این بخش از سمینار را آقای کریستیان هارتن، نماینده مجلس ملی فرانسه (از حزب اتحادیه دمکراتیک فرانسه) بعهده داشت. سخنرانان این بخش بترتیب عبارت بودند از:

۱- عصمت شریف وائل، رئیس کنگرس ملی کردستان

۲- استفان پییر کاتس، استاد قانون در دانشگاه نانسو فرانسه

۳. دکتر گلهراد مرادی، محقق، از کردستان ایران که ضمن اشاره به قانون اساسی مشروطه و متهم آن در رابطه با مسئله ملیتها در ایران به بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی در رابطه با مسئله ملی در ایران پرداخت.
۴. مسعود بشتاش : سخنگوی حزب دمکراسی خلق از ترکیه
۵. دکتر نوری شایس، عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان عراق، که در این سمینار به عنوان رئیس پارلمان کرد در کردستان عراق صحبت کرد

### بخش دوم : حقوق بشر، آزادی بیان، حقوق فرهنگی و زبانی

ریاست این بخش از کار سمینار را آقای کریس کوچرا، روزنامه‌نگار و کردشناس فرانسوی بعهده داشت. سخنرانان این بخش عبارت بودند از :

۱. آقای برنارد کازنو، نماینده پارلمان از حزب سوسیالیست فرانسه
  ۲. خانم آنتونلا تاردو، به نمایندگی از گروه دفاع از حقوق اقلیتها، از انگلستان
  ۳. آقای میشل فورنیه، مسئول خاورمیانه در سازمان عفو بین‌الملل - فرانسه
  ۴. دکتر سعدالدین ملا نماینده کردهای سوریه از سوئد
  ۵. عثمان بایدهیر، معاون رئیس انجمن حقوق بشر ترکیه
- شایان ذکر است که در بین این بخش از سمینار آقای واکه‌لانک رئیس سابق کمیسیون امور خارجه پارلمان فرانسه و وزیر فعلی آموزش فرانسه در سمینار حضور یافت و طی گفتار کوتاهی ضمن پشتیبانی از حقوق کردها گفت: من در باره تشکیل گروه کار در مورد مسئله کرد در پارلمان فرانسه کار زیادی نکرده‌ام و در این زمینه کار بیشتر را مدیون مادام هیتران هستیم. وی در خاتمه سخنان خود افزود: من در مقامی که هستم از شما پشتیبانی میکنم و میتوانم در پیشبرد کار گروه روی من حساب بکنید.

### بخش سوم: اهمیت و نقش جامعه مدنی در کردستان

ریاست این بخش از سمینار را آقای تاتژیک فارتاز، مسئول کمیسیون حزب سبزه‌ها در مسائل فراملی بعهده داشت. وی ابتدا سخنرانی آقای نوئل هامر، نماینده پارلمان فرانسه و از رهبران حزب سبزه‌ها را قرائت نمود. آقای نوئل هامر که از بر گزار کننده‌گان اصلی این سمینار بود و در سمینار حضور یافته بود، بعلت مسئولیت پارلمانی، مجبور به ترک محل برگزاری سمینار جهت شرکت در جلسه‌ای دیگر در رابطه با مسائل داخلی مجلس فرانسه شده بود.

سخنرانان این بخش عبارت بودند از :

۱. ژان فرانسوا پروز، استاد دانشگاه تولوز فرانسه
۲. قای مهدی زانا، شخصیت کرد و شهردار سابق دیاربکر
۳. دکتر کندال نزان، رئیس انستیتوی کرد پاریس
۴. خانم لیلیا آگدالاش، سخنگوی دفتر زنان برای صلح در شهر دوسلدورف آلمان (کردستان ترکیه)
۵. خانم هلن بلاندرژمن ربن، روزنامه‌نگار فرانسوی و متخصص مسائل خاورمیانه

### بخش چهارم : چشم‌اندازها و راه‌حماها : خودمختاری ، فدرالیسم یا استقلال ؟

ریاست این بخش را آقای ژان لوک بنامیاس، دبیر اول حزب سبزه‌های فرانسه بعهده داشت. سخنرانان این بخش عبارت بودند از:

۱. آقای مصطفی هجری، جانشین دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران
  ۲. خانم هاوین گونسز، سخنگوی اتحادیه دمکراتیک خلق کرد (کردستان ترکیه)
  ۳. دکتر عبدالطیف جمال رشید، عضو رهبری اتحادیه هیمنی کردستان عراق
  ۴. آقای جمال بورکای، رئیس حزب سوسیالیست کردستان ترکیه
- در پایان این بخش به آقای رضا اردوکان، سخنگوی حزب کارگران کردستان ترکیه (پ‌ک‌ک) که در سالن حضور داشت، ولی در برنامه پیش‌بینی نشده بود، بنا به تقاضای وی و پیشنهاد احمد بوزید، (از مسئولین حزب سبزه‌ها در بخش خاورمیانه) اجازه داده شد که در همان سالن و از میان شرکت‌کنندگان صحبت نماید.
- سپس خانم ماری هلن لوبرت نماینده پارلمان و عضو کمیسیون امور خارجه، پارلمان فرانسه و همچنین آقای فرانسوا لونکل، رئیس کمیسیون امور خارجه پارلمان فرانسه، طی سخنانی بر حقانیت و مشروعیت خواست کردها تاکید ورزید و تشکیل گروه کار در مورد مسئله کرد در پارلمان فرانسه را اعلام داشتند و گفتند که این گروه کار، نمایندگی از تمام گروه‌های پارلمانی، اعم از سبزه‌ها، سوسیالیستها و احزاب راست فرانسه از جمله جمهوری خواهان RPE و اتحادیه دمکراتیک فرانسه UDF را شامل میشود.
- و در اینجا برنامه سمینار با کف زدنهای مهتد شرکت‌کنندگان در حدود ساعت ۷ بعد از ظهر خاتمه یافت.

# گفتار رفیق مبارز کاک مصطفی هجری، قائم مقام دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در سمینار پارلمان فرانسه

آقای رئیس،  
خانمها و آقایان،

همچنانکه میدانید اکنون کردها در خاورمیانه و شاید در جهان بزرگترین ملت بیحکومتی را تشکیل میدهند که سرزمینشان تکه و پاره و جمعیتشان بالاجبار به چند بخش تقسیم شده است. حکومت‌هایی که بر هر کدلم از این بخشها حکومت میرانند، حکومت‌هایی مستبد و توتالیتر میباشند که خواستهای دمکراتیک این مردم را با خوشونت تمام سرکوب میکنند. تاریخ ملت کرد از این نظر تاریخی فاجعه‌بار و مهلو از جنایات سه‌گین است.

تجزیه سرزمین کردستان علیرغم خواست مردم آن و ستم‌هایی که بر آن رفته است، در نگاه اولیه این تصور را به ذهن متبادر میکند که تشکیل حکومت مستقل کرد در هر بخشی از بخشهای کردستان، و یا الحاق هر چهار بخش آن به یکدیگر و تاسیس حکومت واحد بمنظور رهایی ملت کرد از جنگال دیکتاتوری تنها راه چاره باشد، بویژه که حق تعیین سرنوشت ملل (که در خواست استقلال نیز یکی از اشکال حق تعیین سرنوشت است) توسط سازمان ملل متحد نیز برسجیت شناخته شده است. ولی مجموعه‌ای از موانع مهم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی سد راه دسترسی کردها به این خواسته هستند.

الف - موانع داخلی و منطقه‌ای :

حکومت‌های حاکم بر کردستان حکومت‌هایی بوده‌اند که با معیارهای دمکراتیک، رعایت حقوق بشر، احترام به حقوق قومیتها و اقلیتها بکلی بیگانه‌اند. آنان هر نوع حقوق یکسان طلبی و آزادیخواهی ملل تحت تسلط خود، از جمله ملت کرد را به بهانه‌های واهی تجزیه‌طلبی و جز آن، به شکل وحشیانه‌ای سرکوب میکنند. با سر کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران، توجیه مذهبی نیز برای سرکوب ملت کرد فراهم شده است و سردمداران این رژیم تاکنون بدون هیچ تردیدی اقدام به قتل عام مردم کرد و ویران نمودن روستاها و ترور رهبران حزب دمکرات و سایر گروههای اپوزیسیون حکومت ایران نموده‌اند. بعنوان یادآوری هم که شده، فراموش نکنیم که خود خمینی در ۱۹ اوت ۱۹۷۹ با توصیف کردها بعنوان "شیطانزاده" و رهبران کرد بعنوان "مفسد فی الارض"، علیه مردم کردستان ایران اعلام جهاد نمود.

این چنین حکومت‌هایی امکان هر نوع راه حل مسالمت آمیز از راه گفتگو را بر مردم مسدود نموده‌اند، بطوریکه مردم چاره‌ای جز دست به اسلحه بردن و دفاع مسلحانه از خود را ندا شته‌اند. در این عرصه نیز برتری غیر قابل قیاس نظامی، اقتصادی و تکنیکی نیروهای تحت فرمان این حکومتها با نیروهای مبارز کرد، علیرغم همه فداکاریهای آنان در طول صد سال گذشته کفه ترازو را به نفع حکومتها سنگین نموده است.

وجود اختلافات و کشمکش‌های داخلی میان کردها در گذشته و اکنون که معمولا منجر به زد و خورد‌های خونین و طولانی میان آنان شده است، ضربه سنگینی بر پیکر حرکتهای آزادیخواهانه آنان زده است. وجود این نوع درگیریها که اکثرا بر اثر توطئه حکومت‌های حاکم بر منطقه شکل گرفته است، چه بسا موجب شده است که برای مدت‌ها نیروهای متخاصم، مبارزه با حکومتها را فراموش نموده و همه توان و انرژی خود را صرف پیروزی بر رقیب کرد نماید. این جنگهای خانگی فرصتهای مغتنم بسیاری را از جنگ مبارزین کرد بیرون آورده است.

ب- موانع ژئوپولیتیکی کردستان و قرار گرفتن آن در نقطه ای حساس از خاورمیانه که خود از جنات حساس جهان بشمار میرود، موجب شده است که سرنوشت مردم کرد، در گذشته به علت رقابت‌های اتحادجماهیر شوروی و غرب در منطقه، و در زمان حاضر به علت کوشش غرب بمنظور جلب منافع خود در منطقه، همواره مورد بازیچه قرار گیرد. در پیش گرفتن این نوع رفتار از سوی غربیها نه تنها موجب تقویت و حمایت مبارزات مردم کرد نشده است، بلکه همواره مخربترین تکنیک‌های غرب در خدمت سرکوب ملت کرد قرار گرفته است.

فعلا غرب و در راس آن امریکا از خواستهای کردهای عراق حمایت مینماید و بر اثر این حمایت، کردهای این بخش گامی به جلو برداشته، در برابر خودمختاری که از نظر قانونی و از طرف حکومت مرکزی بغداد برسجیت شناخته شده بود، درخواست فدرالیسم مینمایند. بعد از دستگیری عبدالله اوجلان، رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه، ظاهرا دولت ترکیه نیز تحت فشار امریکا و اروپا قرار گرفته است تا مساله کردهای این کشور را از طریق مسالمت‌آمیز حل نماید، هر چند تا کنون گامی عملی برای این منظور از طرف حکومت ترکیه برداشته نشده است.

ولی در مورد کردستان ایران که بعد از ترکیه دارای بیشترین جمعیت کرد میباشد، امریکا سکوت اختیار کرده و سخنی از حقوق ملی آنها به میان نیاورده است. دولتهای اروپایی نیز در سایه رقابت گسترش روابط تجاری و کسب سود سرشار از ایران مساله ده میلیون کرد ایران و ستم‌هایی را که بر آنها می‌رود به فراموشی سپرده‌اند. شاید یکی از دلایل این فرا هوشی و سیاست سکوت در برابر کردهای ایران، به پیش بردن مبارزه صلح‌آمیز و به دور از ماجراجویی‌هایی نظیر ترور، هولپیماری و عملیاتی از این قبیل باشد.

در این میان اقدامات انترناسیونال سوسیالیست که چندین بار طی بیانییه‌ها و تصویب قطعنامه‌ها، از حقوق کردها بطور کلی و کردهای ایران بویژه دفاع نموده است، شایان قدردانی است. و من بنام حزب دمکرات کردستان ایران که افتخار عضویت در این سازمان را دارد صمیمانه از سیاست و رفتار مسئولان رهبران انترناسیونال سوسیالیست سپاسگذاری میکنم. همچنین بنام

حزب دموکرات کردستان ایران و بنام خلق کرد در ایران، از نمایندگان حزب سبزه‌های فرانسه که این سمینار را برگزار کرده‌اند و نیز تمام نمایندگان که تصمیم گرفته‌اند یک گروه کار در مجلس ملی فرانسه در مورد مساله کرد را تشکیل بدهند، صمیمانه تشکر میکنم. حزب من بنام خلق کرد در کردستان ایران، خواستار موجودیت یافتن این گروه کار است و پیشاپیش از تمام کسانی که از آن پشتیبانی کرده و خواهند کرد، تشکر مینماید.

در اینجا لازم میدانم از مادام دانیل هیران و بنیاد فرانسه لیبرته بخاطر اقدامات و پشتیبانی‌های بیدریغشان از حقوق و خواسته‌های مردم کرد صمیمانه سپاسگذاری کرده و قدردانی نمایم.

دوستان گرامی!

به دلایلی که ذکر شد و بسیاری دلایل دیگر که در اینجا فرصت بازشمار آنها نیست، چنین بنظر میرسد مناسبترین شکل ممکن از تحقق خواسته‌های مردم کرد، در همان چهارچوب مرزهای کشورهایی است که کردستان در میان آنها تقسیم شده است، یعنی اداره این مناطق به شکل فدرال یا خودمختاری.

این سیستمهای حکومتی و بویژه برای کشور کثیرالمله‌ای همچون ایران، که جمعیت آن را ملل و اقوام بزرگ و تاریخی متعددی تشکیل میدهند از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا از طرفی تمرکز قدرت در یک مرکز را معمولاً موجب تقویت و استحکام حکومتهای خودکامه است تضعیف و تقسیم قدرت در کشور را پایه‌ریزی میکند که خود اساس دموکراسی در کشور را تشکیل میدهد. از طرف دیگر ملیت‌های مختلف هر یک از این مناطق خودمختار یا فدرال، از جمله کردها، از حالت ملت‌های درجه دوم کشور خارج شده و با دلگرمی و آرامش خاطر کامل در اداره مناطق تحت حاکمیت خود شرکت و فعالیت مینمایند. این امر بر خلاف تصور برخی از حکومت‌های حاکم بر کردستان، نه تنها موجب تجزیه کشور نخواهد شد بلکه موجب اتحاد دلاطلبانه ملیتهای ساکن این کشورها را پیشتر فراموش خواهد کرد.

با شناخت دقیق از رژیم‌های شاه و جمهوری اسلامی و ظرفیت آنها در رابطه با حقوق بشر و دموکراسی، حزب دموکرات کردستان ایران، از ابتدا تا کنون خودمختاری برای کردستان ایران در چهارچوب ایرانی دموکراتیک را سرلوحه شعارهای خود قرار داده است و مبارزات خود را در این راستا تنظیم نموده است تحقق این هدف خواسته‌های مردم کرد در کردستان ایران را تامین میکند. ولی حزب دموکرات با شناخت مبانی فکری حکومت‌های خودکامه و ارتجاعی پهلوی بویژه جمهوری اسلامی، ظرفیتی بیش از این را در آنها سرنگ نداشته است. علاوه بر خودمختاری برای مردم کردستان ایران دارای ریشه‌ای تاریخی و عاطفی است. ۵۵ سال پیش یعنی در سال ۱۹۴۶ حزب دموکرات کردستان اولین حکومت خودمختار به ریاست قاضی محمد دبیرکل حزب را بنیانگذاری نمود. این حکومت هرچند بیش از ۱۱ ماه دوام نیاورد و با یورش لشکریان شاه فرو ریخت و قاضی محمد و بسیاری دیگر از سران حکومت دستگیر و اعدام شدند، ولی تجدید این حکومت اکنون نیز جزو آرزوهای دیرین مردم کردستان است.

حزب ما برای رسیدن به این هدف مبارزه سیاسی صلح‌آمیز را انتخاب نموده است. در آغاز بر سر کار آمدن جمهوری اسلامی حزب با هماهنگی سایر نیروهای اپوزیسیون موجود در کردستان و بنام هیئات نمایندگی خلق کرد، و سپس خود به تنهایی بارها با هیئات نمایندگی رژیم در مهاباد و با مسئولین طراز اول رژیم، از جمله خود خمینی، در تهران بمذاکره پرداخت تا شاید مشکل کردستان از راه دیالوگ حل نماید ولی رژیم از حسن نیت حزب دموکرات سوء استفاده نمود و در ضمن وقت‌گذرانی به بهانه ادامه مذاکره اقدام به بازسازی نیروهای درهم شکسته خود نمود و یورش وسیع و وحشیانه خود را به کردستان آغاز نمود. ولی صلح‌طلبی، مانع از این نشد که ضمن دفاع از مردم کرد و اعضا و هواداران خود، همچنان به دنبال یافتن راه حلی مسالمت‌آمیز باشیم، متأسفانه نتیجه این تلاشی ما هنجر به ترور دکتر قاسملو، دبیرکل حزب و هیات همراهش بر سر میز مذاکره با دیپلمات‌های تروریست‌های جمهوری اسلامی در ۱۳ ژوئن ۱۹۸۹ در وین شد. دکتر صادق شرفکندی جانشین وی نیز تنها دو سال بعد به همراهی هیئاتی بلندپایه از حزب در هفدهم سپتامبر بدست تروریست‌های جمهوری اسلامی و با دستور بالاترین مسئولین جمهوری اسلامی در برلین ترور شد.

انتخاب محمد خاتمی در بهار سال ۱۹۹۷ با حمایت مردم روبرو شد. ایشان در جریان انتخابات برخی مسایل کلی را در رابطه با حقوق مردم کرد بیان داشت، ولی اکنون بعد از سپری شدن ۳ سال، این مسائل را به فراموشی سپرده و گامی در تحقق حقوق کردها و سایر قومیت‌های ایرانی برنداشته و حتی در اینباره سخنی بر زبان نرانده است. خاتمی و همفکرانش که بنام اصلاح‌طلب مشهور شده‌اند، هرچند علیه جناح محافظه‌کار رژیم مبارزات شدیدی را آغاز نموده‌اند و در راه آزادی نسبی مطبوعات گام‌هایی برداشته‌اند، ولی در مواردی نشان داده‌اند که در رابطه با سرکوب خواسته‌های مردم کرد تفاوت چندانی با جناح رقیب خود ندارند. در جریان تظاهرات ماه فوریه سال ۱۹۹۹، مردم شهرهای مختلف کردستان که در اعتراض به دستگیری عبدالله اوجلان و با اجازه مقامات رسمی بر پا شده بود، دهها نفر از تظاهرکنندگان کشته و صدها نفر نیز زخمی و دستگیر شدند. گناه تظاهرکننده‌گان تنها این بود که در جریان تظاهرات ضمن محکوم نمودن دستگیری اوجلان، خواسته‌های مردم کرد در کردستان ایران را نیز مطرح ساخته بودند. ولی آقای خاتمی و همفکرانش اعتراضی به این عمل جنایتکارانه نیروهای سرکوبگر خود ننمودند. خاتمی در حالی شعار گفتگوی تمدنها را علم کرده است که توانایی دیالوگ با مردم کرد ناراضی و سایر ملیتهای تحت ستم ایران را ندارد، و تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم کرد به رگبار بسته‌میشود. عده‌ای از صاحب‌نظران بر این باورند که خاتمی از ترس رقبای محافظه‌کار خود جرات به میان آوردن خواست ملیتهای گوناگون ایران را ندارد، و گرنه معتقد به حقوق ملیتها و حل مسالمت‌آمیز آن است. این نظریه در بهترین حالت میتواند دلیل بر ناآگاهی و ناتوانی خاتمی در حل مشکلات پایه‌ای کشور باشد. زیرا به میان آوردن حقوق خلق‌های ایران اگر موجب دلگرمی و ناخوشنودی شماری از محافظه‌کاران میشود، در مقابل موجب جلب توجه و حمایت بیدریغ دهها میلیون نفر از خلق‌های تحت ستم از وی و همفکرانش خواهد شد.

شعار دیگر آقای خاتمی که در این اواخر مطرح کرده است، "ایران برای همه ایرانیان است" میباشد. این شعار در کلیت خود میتواند بار سیاسی وسیعی را در برداشته باشد. ولی خاتمی میخواهد با قانون اساسی فعلی این شعار را متحقق سازد و این در حالی است که در قانون اساسی نه تنها ایران برای همه ایرانیان، بلکه برای شیعه‌ها هم نیست و تنها تعلق به شیعه‌های پیرو ولایت فقیه دارد. قانون اساسی که خود مجموعه‌ای از تضادهای، تبعیض‌ها و تقسیم مردم ساکن ایران به درجه یک و درجه دو است چگونه میتواند ایران را از آن همه ایرانیان نماید؟ جایگاه لایک‌ها که بخش قابل توجهی را در جامعه ایران بویژه در طیف روشنفکر تشکیل میدهند، در کجاست؟ راه حل خاتمی برای سهم کردن این ایرانیان در اداره کشور چیست؟ خاتمی خود در پاسخ به این پرسشها ساکت است و راه حلی را ارائه نداده است. هر چند مبارزات خاتمی در راس گروه اصلاح‌طلب، گامهایی به پیش برداشته است، ولی برای جلب حمایت خلقهای ایران ضروری است، آنها بطور شفاف برای حل مشکل ملیتها راه حل ارائه نمایند. علاوه بر این خاتمی تا کنون در مورد حقوق و آزادیهای ابتدایی، مثل حجاب، مجازات شلاق و قصاص و ... نیز بطور صریح اظهار نظر نکرده‌اند. ما بر این باوریم که اصلاح‌طلبان، بویژه شخص خاتمی، در این مورد بویژه در مورد حل مساله ملی در ایران لازم است نظر روشن و مشخصی را ارائه نمایند.

در خاتمه لازم میدانم، این واقعیت را برای حاضران در جلسه بویژه مردم غرب روشن نمایم که استقبال بیسابقه مردم در انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری و در انتخاب شوراهای شهر و روستا و نیز در انتخابات مجلس ششم به نفع همفکران و طرفدارانش، نه بخاطر پشتیبانی از خاتمی و همفکرانش بلکه بیشتر بمنظور ابراز مخالفت با جمهوری اسلامی و بویژه جناح محافظه کار آن بوده است.

با کمال تشکر